

عنوان مقاله:

تحلیل گرایش به نظام های برنامه ریزی درسی متمرکز و غیرمتمرکز در برخی کشورها

محل انتشار:

همایش تمرکز و عدم تمرکز در فرایند برنامه ریزی درسی (سال: 1384)

تعداد صفحات اصل مقاله: 24

نویسنده:

صمد ایزدی - استادیار گروه علوم تربیتی دانشگاه مازندران

خلاصه مقاله:

بحث در خصوص مزیت های نسبی تمرکز زدایی و گرایش به تمرکز گرایی در برنامه ریزی درسی دارای تاریخ طولانی است . همزمان با تحولات و تغییرات گسترده سیاسی، اقتصادی و اجتماعی ، مطالبات و تقاضای اجتماعی برای مشارکت در تصمیم گیری های آموزشی و تأمین حقوق فردی و اجتماعی و ضرورت برنامه های درسی و آموزشی منعطف و سازگار با تغییرات اجتماعی ، فرهنگی و بین المللی از نیمه دوم قرن بیستم مطرح شده است . در همین رابطه، برخی نظام های آموزشی متمرکز برای رهایی از وضعیت نامطلوب و بحران زای خود، گرایش تمرکززدایی را اختیار نموده و بعضی نظام های آموزشی نیز رویکرد تمرکز گرایی را به عنوان پاسخی به بحث عدالت آموزشی و فرصت های برابر آموزش و تحصیل قلمداد نموده اند . در هر یک از رویکردهای فوق الذکر، پشتوانه های نظری و عملی مستحکمی وجود دارد که بسته به نوع و تمرکز نظام آموزشی ، ساختار برنامه درسی، سطوح تصمیمگیری و میزان و نوع دخالت عوامل مختلف در فرایند برنامه ریزی درسی نیز از آن تأثیر می پذیرد . در این مقاله ابتدا به معرفی و تبیین نظام های آموزشی متمرکز و غیرمتمرکز پرداخته می شود و سپس تجارب برخی کشورها و گرایش آنها به برنامه ریزی درسی متمرکز و غیرمتمرکز مورد تحلیل قرار می گیرد و در پایان، جمع بندی در خصوص تجارب کشورها و گرایشهای تمرکز گرایی و تمرکز زدایی صورت می گیرد .

کلمات کلیدی:

تمرکزگرایی ، برنامه ریزی درسی ، تمرکززدایی ، برنامه درسی

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/42435>

